

امتناع جامعه‌شناختی تولید نظریه بومی روابط بین‌الملل در ایران؛ مروری کمی بر یک مفهوم کیفی

غلامعلی چگنی‌زاده*

رحیم هاتفی عین‌الدین**

چکیده

این مقاله بخشی از رساله دکتری است که با عنوان «موانع تولید نظریه حوزه روابط بین‌الملل در ایران: نظر نخبگان دانشگاهی» سامان یافته است. در پی فهم دلایل تولید نشدن نظریه بومی روابط بین‌الملل در ایران، به بررسی موضوع از منظر نخبگان دانشگاهی این رشته پرداختیم. پژوهش حاضر که به روش نظریه زمینه‌ای و با مصاحبه عمیق عملیاتی شد، به موانع و کدهایی دست یافت که در بررسی نهایی، با عنوان امتناع جامعه‌شناختی تولید نظریه بومی روابط معرفی شدند. یافته‌های این تحقیق کیفی با روش مذکور در ادامه تحت بررسی کمی قرار گرفت. فراوانی و درصد کدهای کیفی به دست آمده در متن مصاحبه‌ها به عنوان داده‌های خام دست اول، مبنای این مقایسه قرار گرفت. در راستای بسط و تبیین نظریه به دست آمده الزامات جامعه‌شناختی، تولید علم به صورت مطالعه کتابخانه‌ای منابع مربوطه استخراج شدند. نتیجه این بررسی نه ملاک و معیاری بودند که با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت داشتند. مقایسه یافته‌های تحقیق با الزامات مدنظر نشان از فقدان زمینه‌های اجتماعی لازم برای نظریه‌پردازی بومی داشته و نظریه حاصل از پژوهش کیفی در پرتو بررسی کمی و مقایسه‌ای تقویت شد. یعنی دلیل تولید نشدن نظریه بومی روابط بین‌الملل در ایران «امتناع جامعه‌شناختی تولید علم» است.

واژه‌های کلیدی: امتناع جامعه‌شناختی تولید علم، الزامات جامعه‌شناختی تولید علم،

بررسی کمی، نظریه داده بنیاد، موانع تولید نظریه بومی روابط بین‌الملل

chegnizadeh@yahoo.com

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

everwaiter@yahoo.com

** کاندید دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۱

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۲-۵

مقدمه و بیان مسئله

تولید دانش بومی در حوزه علوم انسانی یکی از ضروریات این حوزه است؛ به نحوی که در عین آشنایی با دستاوردهای سایر جوامع بشری و آگاهی از پیشرفت‌های آنان به برآوردن نیازهای علمی جامعه خود با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اعتقادی، سنت‌ها و شرایط خاص آن نیز پردازد. از طرفی هم یکی از اهداف ذاتی تاسیس دانشگاه و ایجاد رشته و دیسیپلین در دانشگاه‌ها پاسخگویی به نیازهای علمی و نظری هر جامعه است. حوزه روابط بین‌الملل به دلیل ماهیت گسترده، پیچیده و تحولات پرسرعت این عرصه در صدر این سنخ از نیازمندی‌ها قرار دارد. یعنی انتظار این است که رشته روابط بین‌الملل در پاسخ به جهان متحول محیطی، به نوآوری علمی و تولید نظریات بومی دست زده و نیازهای درونی جامعه را برآورده سازد. تولید نظریه بومی یکی از مباحث چالشی در حوزه علوم انسانی است که حوزه روابط بین‌الملل، به دلیل ماهیت خاص آن به طریق اولی نیازمند تولید نظریه است؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد در ایران چندان توفیقی نداشته است. تولید نظریه‌های بومی در حوزه روابط بین‌الملل مدتی است که به بحث مهمی در بین دانشگاهیان سراسر جهان تبدیل شده است. تولید نظریه‌هایی که از منظرهایی متفاوت از منظر جریان غالب به موضوع روابط بین‌الملل پرداخته و ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های نظریات جریان اصلی را به چالش کشیده و فراتر از آن راه‌کارها و پیشنهادهایی جهت پویایی رشته و اصلاح عملی وضعیت جهان ارائه دهند، انگیزه ورود اندیشمندان این رشته به حوزه مفهومی نظریات بومی یا آنچنان که در غرب شهرت یافته «نظریه‌های غیرغربی» روابط بین‌الملل شده است. در

ایران نیز این بحث وارد فضای آکادمی شده است. پس چرا در بحث نظریه بومی رشته روابط بین‌الملل در ایران، پیشرفت تئوریک حاصل نشده است؟ بی‌شک شناسایی موانع و مشکلات در هر حوزه‌ای می‌تواند مقدمه اقدامات عملی برای رفع آن مشکلات قرارگیرد. برآنیم که مشکلات را کسانی بهتر درک می‌کنند که عمری به صورت عملی و میدانی با مقوله تحت بررسی زیسته و زیر و بم مسائل آن را با عمق جان لمس کرده باشند. استاتید دانشگاه رشته روابط بین‌الملل مصداق این گروه‌اند. با توجه به این مقدمات، به دنبال تلاش در پی بررسی و شناسایی «موانع تولید نظریه بومی حوزه روابط بین‌الملل در ایران از نظر نخبگان دانشگاهی» پژوهشی را ساماندهی نمودیم که به روش میدانی و با روش تحقیق کیفی «نظریه زمینه‌ای» یا «داده بنیاد» (grounded theory)، به شناسایی این دست موانع پردازد. نتیجه پژوهش مزبور این بود که «نظریه بومی روابط بین‌الملل در ایران، در عین امکان معرفت‌شناختی با امتناع جامعه‌شناختی مواجه است.» در مقاله مستقلی این موانع را به صورت کیفی معرفی نموده‌ایم. در این مقاله به بررسی و تحلیل کمی یافته‌های این تحقیق می‌پردازیم. ابتدا به طور مختصر به مباحث جامعه‌شناسی علم و سپس الزامات جامعه‌شناختی تولید علم اشاره می‌کنیم. آنگاه به معرفی یافته‌ها و موانع یافت شده در پژوهش مذکور به صورت کمی و در نهایت به مقایسه این دو مورد می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

در حوزه نظریه بومی روابط بین‌الملل، آثار داخلی و خارجی قابل توجهی به طبع رسیده است. بخشی از این آثار به امکان و بخشی به لزوم نظریه بومی روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. آمیتاوا آکاریا و بری بوزان (۱۳۸۹) و آرلن تیکنر و الی ویور (۱۳۹۰)، به بررسی وضعیت نظریه‌های غیرغربی و نیز دلایل تولید نشدن آن پرداخته‌اند. در بین نویسندگان داخلی آثار متعددی از دکتر دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹الف، ۱۳۸۹ب، ۱۳۸۹ج، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳الف، ۱۳۹۳ب، و ۱۳۹۴) در خصوص تبیین ماهیت مبانی فلسفی و فرانظری نظریه بومی (اسلامی) روابط بین‌الملل به طبع رسیده‌اند که در این تحقیق ما را از ورود به بحث امکان و امتناع نظریه بومی

روابط مستغنی ساخته‌اند. از دیگر آثار داخلی، آثار متعدد دکتر عبدخدایی (۱۳۹۱ الف، ۱۳۹۱ ب، ۱۳۹۱ ج، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ الف، ۱۳۹۳ ب) در باب امکان‌سنجی و لزوم نظریه بومی و اسلامی روابط بین‌الملل است که باز هم پژوهش حاضر با اتکا و اعتماد به آنها از ورود به مبحث مذکور بی‌نیاز شده است. در بین آثار موجود اندک منابعی به موضوع موانع تولید نظریه بومی اشاره نموده‌اند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

حمیرا مشیرزاده، و مجید کافی (۱۳۹۴) در «زمینه‌های ساختاری نظریه‌پردازی ایرانی در روابط» به بررسی موانع ساختاری در پنج حوزه پرداخته‌اند که عبارتند از: موقعیت، منابع پایه، پویایی جامعه دانشگاهی، زمینه‌های سیاسی و استقلال فکری. سیدجواد صالحی و فریبرز ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۰) به برخی مشکلات بومی‌سازی نظریات روابط اشاره می‌کنند: فقدان چهارچوب‌های منسجم، عدم تلاش پیوسته برای نظریه بومی، تطور و فراز و فرود شدید روابط کشور در عرصه جهانی که اجازه درک الگوهای واحد از رفتار را نمی‌دهد و در نهایت چیرگی گفتمان غربی متاثر از شرایط تاریخی و دیرینه از این جمله هستند. محمدجواد رنجکش و حمیدرضا کشاورز (۱۳۹۴) نیز به پاره‌ای از موانع نظریه‌پردازی روابط اشاره می‌کنند. سعید باباشاهی (۱۳۸۷) در «نظریه‌پردازی بومی و چشم‌انداز توسعه علمی» پاره‌ای مشکلات بر سر راه نظریه‌سازی بومی را مطرح می‌کند که عبارتند از: نبود تعریف جدید از مهره‌ها و عناصر موجود در جامعه فکری نخبگان، نگرانی صاحب‌نظران از ارائه اندیشه خود، عدم مجال طرح نظریه برای فعالان این حوزه، مصرف‌کنندگی انفعالی نظریه‌های وارداتی و عدم تلاش جهت پیشبرد نظریه‌ها. ساختار سیاسی و حزبی دانشگاه‌ها و شیوه‌های غلط آموزشی از دیگر عوامل ضعف نظریه هستند.

نکته قابل توجه این است که هیچ‌یک از این آثار به صورت مستقل بر مسئله شناسایی و معرفی مبسوط و مشروح موانع تولید نظریه بومی نپرداخته‌اند و مهمتر از همه این که مولفه اصلی مدنظر این پژوهش یعنی «نظر و دیدگاه نخبگان دانشگاهی» در این آثار لحاظ نشده است. در حالی که پژوهش حاضر با لحاظ

کردن مولفه‌های فوق به دنبال ارائه یک توصیف فربه (thick description) و نیز ارائه یک نظریه در این خصوص است.

روش پژوهش

در این تحقیق از دو روش استفاده شده است. ابتدا با روش کیفی نظریه داده‌بنیاد موانع تولید نظریه بومی روابط بین الملل کشف و استخراج شد. به وسیله مصاحبه نیمه ساخت یافته با اساتید دانشگاه رشته روابط بین الملل در دانشگاه‌های سطح تهران و نیز چهار مرکز استانی که رشته روابط بین الملل در آنها تدریس می‌شود، پس از انجام ۲۲ مصاحبه و اطمینان از اشباع شدن کدها، نظرات نخبگان به دست آمده و براساس روش‌شناسی فوق با سطوح سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و هسته‌ای، مقوله‌های عمده استخراج شدند. کدها براساس مضمون هر جمله و نیز سؤال‌های تحقیق که از مصاحبه شونده‌ها پرسیده شده بودند، در انتهای جمله در برنامه واژه‌پرداز قرار می‌گرفتند. پس از پایان کدگذاری و بازبینی مکرر کدها، ابتدا تمامی کدها در برنامه اکسل وارد می‌شدند و در مرحله بعدی کدهای به دست آمده براساس مفهوم و مضمون آن در دسته‌های مشابهی در یک صفحه اکسل جداگانه طبقه‌بندی می‌شدند. با انجام این کار تعداد کل کدهای مصاحبه را شمارش نموده و تعداد زیرمقوله‌های هریک از طبقات به دست آمده برای هر مصاحبه را نیز معین کردیم. یکی از فعالیت‌های اساسی این روش، مقایسه مستمر یافته‌ها است (ر.ک. کراسول، ۱۳۹۴ و محمدپور ۱۳۹۲ و فلیک، ۱۳۸۸). در نهایت زمانی که مقولات و کدهای به دست آمده به مرحله اشباع (Saturation) رسیدند، کدهای کل پژوهش در مرحله کدگذاری محوری مجدد کدبندی و طبقه‌بندی شده و کل کدها در ده طبقه قرار گرفتند. نتیجه ده کد عمده‌ای بودند که در یک مدل پارادیمی و در ارتباط با هم سامان یافته و در قالب نظریه‌ای که اشاره کردیم، ارائه شدند. در ادامه برای تقویت کیفیت و مدیریت اعتبار پژوهش به بررسی کمی مقوله‌های استحصال شده در مصاحبه‌ها پرداختیم. در این مرحله برای هریک از مصاحبه‌ها یک نمودار میله‌ای طراحی شد. تعداد کل کدهای هر مصاحبه، تعداد کدهای اختصاص یافته به هر عنوان در آن مصاحبه و در نهایت درصد هر کد،

تشکیل دهنده عناوین نمودارهای میله‌ای بودند. با این کار رویکرد کلی هر مصاحبه و نقطه نظرات مصاحبه شونده درباره موضوع به دست می‌آمد. برای نشان دادن ارتباط هریک از مصاحبه‌ها با نتیجه نهایی تحقیق، جدولی را طراحی نموده و "الگوی ارتباطی" هر مصاحبه با نتیجه تحقیق نام نهادیم. در ادامه فراوانی و درصد کلی هریک از این ده تم را در کل تحقیق نشان داده و به مقایسه یافته‌ها با الزامات جامعه‌شناختی تولید علم و نظریه‌پردازی می‌پردازیم. برای این کار مروری مختصر بر مباحث جاری در حوزه جامعه‌شناسی علم داشته و شاخص‌هایی را برای تطبیق با یافته‌های این تحقیق استخراج نمودیم. سپس به صورت کمی پراکندگی و توزیع این شاخص‌ها در بدنه پژوهش را نشان دادیم. نتیجه این بحث نشان می‌دهد که یافته‌های تحقیق حاضر چگونه از نظریه به دست آمده حمایت می‌کند.

جامعه‌شناسی علم و الزامات جامعه‌شناختی تولید دانش

جامعه‌شناسی علم، رشته‌ای از جامعه‌شناسی تعریف شده که به روابط متقابل میان علم و جامعه می‌پردازد و موضوعات مورد مطالعه در آن عبارت‌اند از بررسی علم به عنوان یک نهاد اجتماعی، بررسی نظام‌های روابط اجتماعی در قلمرو علم و پیوندهای آن با جامعه است. گروهی از جامعه‌شناسانی که آنها را امروزه کلاسیک می‌نامیم، در صدد بودند که رابطه میان جامعه و فرهنگ را از یک سو و حضور علم را از سوی دیگر، مورد شناخت قرار دهند. اولین مطالعات در زمینه جامعه‌شناسی علم در حدود سال‌های ۱۹۴۰ آغاز شد. جامعه‌شناسانی مثل دورکیم، وبر، مانهایم و زیمل، در نیمه اول قرن بیستم از پیشگامان جامعه‌شناسی علم بودند و مشارکت‌های قابل توجهی در زمینه مطالعه روابط میان علم و جامعه داشتند (قاضی طباطبایی و و دادهیر، ۱۳۸۶).

اجتماعی بودن علم را از دو منظر می‌توان بررسی کرد. در وهله اول می‌توان گفت که علم به مثابه یک محصول جامعه‌شناختی به سایر بخش‌های جامعه مرتبط بوده و سایر بخش‌های کلان جامعه (اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، و مذهب) نقشی پویا و تعاملی بر تولید علم دارند. در وهله دوم رویکرد اجتماعی به معنای آن است که اجتماع پژوهشگران و سایر کارگزاران علمی خودشان به مثابه یک

جامعه و اجتماع هستند و تمام مختصات امر اجتماعی بر امری علمی و کنش‌های علمی و عالمان نیز صدق می‌کند (رحمانی، به نقل از جلیلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷). در این مضمون اجتماع علمی را چنین تعریف می‌کنند که «اجتماع علمی شبکه متنوعی از دانشمندانی است که در تعامل با یکدیگر هستند. این اجتماعات معمولاً خود شامل اجتماع‌های بسیاری است که در حوزه علمی خاص و در نهادهای خاص فعالیت می‌کنند و در عین حال فعالیت‌های میان‌نهادی و بین‌رشته‌ای نیز دارند» (کورنفلد و هویت، به نقل از همان: ۲۷). بنابراین می‌توان گفت که هرچه این شبکه اجتماعی بیشتر منسجم و تقویت شود، نظام اجتماعی نیز بیشتر تقویت و در نتیجه تولید علم تسهیل می‌شود؛ چرا که «علم بدون وجود ساختارهای هنجاری، اجتماعی و فرهنگی خاص تولید نمی‌شود» (ابادری، به نقل از همان: ۲۸).

«در موضوعات جامعه‌شناسی علم، عموماً نظام‌های پاداش، هنجارهای علمی، سازمان و اجتماعات علم و تولید علم بررسی می‌شود» (ربانی و ماهری، ۱۳۹۲: ۴). به عبارتی دیگر، موضوع جامعه‌شناسی علم «عبارت است از بررسی علم به عنوان یک نهاد اجتماعی، نظام روابط اجتماعی در قلمرو علم و پیوندهای آن با جامعه» (زکی، ۱۳۷۷: ۳۲). نگرش‌های موجود را در یک نگاه کلی به دیدگاه‌های اصالت فرهنگ و اصالت اقتصاد تقسیم می‌کنند. «دیدگاه اصالت فرهنگ یا اندیشه‌گرایی، شکل‌گیری زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی مناسب تاثیرگذار بر علم را مشروط به حمایت هنجارها و ارزش‌های فرهنگی‌ای می‌داند که زمینه مشروعیت و توسعه علمی را در جامعه فراهم می‌سازند... و در رویکرد اصالت اقتصاد یا عمل‌گرایی، توسعه علم به طور جدایی‌ناپذیری با کنترل طبیعت برای منافع انسانی ارتباط دارد» (حسین‌زاده و همکاران، پیشین: ۲۶). با این حال علم به عنوان یک پدیده اجتماعی از هر دو مجموعه عوامل فرهنگی و مادی تاثیر می‌پذیرد و لازم است به هر دو این مجموعه‌ها توجه شود.

جامعه‌شناسی علم در عمر کوتاه خود رویکردهای متنوعی به خود دیده است. اندیشمندان این حوزه مطالعاتی از سه موج جامعه‌شناسی صحبت می‌کنند.

جامعه‌شناسی قدیم تولید علم (OSS) یا «علم به مثابه یک نظام اجتماعی»، جامعه‌شناسی علم جدید (SSK) و نظریه موج سوم یا کنشگر-شبکه (ANT) این سه موج را بازنمایی می‌کنند.

الف) موج اول یا جامعه‌شناسی علم قدیم: علم را نهادی اجتماعی، مستقل و کارکردی می‌داند که در آن علم واقعیت عینی، شک‌ناپذیر، معقول و کارکردی است. «در این پارادایم مفهوم آداب علم یا آنچه «الزامات نهادی» یا «هنجارهای علم» نیز نامیده می‌شود، مفهومی کلیدی محسوب می‌شود. مفهوم یا نظریه‌ای که استیو فاولر آن را نوعی «دست نامرئی در کار علم» می‌نامند» (قاضی طباطبایی و داد‌هیر، ۱۳۸۶: ۱۲۷). در جامعه‌شناسی علم مرتون، برای نهادینه شدن و کارایی نهاد علم در جامعه بر دو بعد مهم تاکید شده است. نخست اینکه سازگاری میان نهاد علم و ساختارهای اجتماعی جامعه‌ای که علم در آن مدنظر است پیش شرط اساسی رشد، توسعه و پیشرفت علم است. دوم استقلال کارکردی نهاد علم از دیگر نهادهای اجتماعی جامعه و کنترل آن از سوی این نهادها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و تبعیت افراد و اجتماعات علمی از ارزش‌ها و اخلاقیات موجود در نهاد علم برای نهادینه شدن دانش است (حسین زاده و همکاران، پیشین: ۲۶). «بنابراین شیوه اول یک شیوه سلسله مراتبی است و بسیار تمایل دارد که شکل و ابعاد صوری خود را حفظ کند» (گیونز، به نقل از همان: ۲۶).

ب) موج دوم جامعه‌شناسی علم یا جامعه‌شناسی علم جدید: علم را بر ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد و بر نسبی باوری و نفوذ اجتماع و فرهنگ بر علم تاکید دارد. جامعه‌شناسی جدید علم (NSS) یا جامعه‌شناسی معرفت علمی (SSK) به دنبال خدشه‌دار شدن کارایی مدل‌های جامعه‌شناسی قدیمی علم در تبیین تحولات علم در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم تاسیس شد. این رویکرد بر این فرض اساسی مبتنی است که علم را نمی‌توان خارج از جامعه متصور شد (قاضی طباطبایی و داد‌هیر، پیشین: ۱۲۸). گیونز ویژگی‌های نوع دوم جامعه‌شناسی علم را بدین شرح بر شمرده است:

یک) تولید دانش در یک زمینه کاربرد صورت می‌گیرد؛ یعنی حل مسئله براساس مفید بودن برای صنعت یا دولت یا جامعه عام‌تر ارائه می‌شود. (دو) فرارشته‌ای است؛ فرارشته‌ای بودن یک خصلت پویاست و در واقع نوعی توانایی حل مسئله براساس حرکت است که این مسئله خود باعث می‌شود سایر الگوهای جایگزین در فرایند تولید دانش قابل استفاده باشد. (سه) گسترده و فاقد نظام سلسله مراتبی است و از تنوع سازمانی برخوردار است. یعنی افزایش مراکز تولید دانش، پیوند مراکز فوق از طریق کارکرد شبکه‌های ارتباطات، ترکیب‌بندی و شکل‌بندی مجدد زیرشاخه‌های زمینه‌های کاربردی صورت می‌گیرد.

چهار) دارای مسئولیت‌پذیری و خصلت [باز]اندیشی است. یعنی تولید دانش در سطح وسیع در اجتماع گسترده می‌شود و بازتاب روشنی از ارزش‌های افراد و گروه‌هایی است که در فرایند تولید دانش درگیر می‌شوند و خصلت بازاندیشی نیز فرایندی از یک پرس و جوی مداوم از یک ارزیابی دائمی نسبت به موقعیتی است که ما در آن قرار داریم و آنچه را قادر به انجام آن هستیم تشکیل می‌دهد. پنج) دارای نظام کنترل کیفیت همگانی در تولید دانش است. بدین معنا که در شیوه دوم، بسیاری از مراکز و اعضای متفاوت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف یا به طور هم‌زمان و متوالی در ارتباط با هم هستند (ربانی و همکاران، پیشین: ۱۲۹).

ج) موج سوم یا مدل سوم جامعه‌شناسی علم به دنبال ناکارآمدی نسبی نظریه کوهن در تبیین تحولات و فرایندهای سریع عصر علم و فناوری نسل جدیدی از نظریه‌پردازی اجتماعی علم ظهور کرد. رویکردهای جدید «تلفیقی و فرایندنگر نظیر کنشگر-شبکه و نظریه‌های مرتبط و یا مشتق از آن مثل نظریه «شیوه جدید تولید دانش / مد دو»، علم پسانرمال و نظریه روابط دانشگاه-صنعت-حکومت یا «رشته سه‌گانه»، جای جامعه‌شناسی معرفت علمی را گرفتند» (همان: ۱۲۹). یکی از رویکردهای مهم این موج نظریه کنشگر-شبکه است. این نظریه در ضمن اجتناب از رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه رئالیستی و برساخت‌گرایی اجتماعی در تدوین و تولید علم، رویکردی ترکیبی ارائه کرده است و مرکب است از رئالیسم

علمی، بر ساخت‌گرایی اجتماعی و تحلیل گفتمان، و بر این نکته اصرار می‌ورزد که علم فرایند مهندسی نامتجانسی است که در آن کلیه مولفه‌های اجتماعی، تکنیکی، مفهومی و متنی در هم آمیخته و ترجمه و تفهیم می‌شوند (همان: ۱۳۰).

در این نگرش، علم «گونه‌ای از معرفت است که با سازوکار اجتماعی تولید می‌شود و مخلوقی است که هستی خود را مدیون جماعت‌های انسانی و ابزاری است که جلوه آن را می‌توان در کنش‌ها، گزارش‌ها و ابزار مورد استفاده آنان دید. در این رهیافت، توهم علم یگانه به نقد کشیده می‌شود و سرشت علم از لحاظ اجتماعی امری عارضی و محتمل‌الوقوع است و از خصلت محلی و اقتضایی فعالیت علمی برخوردار است» (قانع‌راد به نقل از فرهنگد، ۱۳۹۲: ۵۸). از نظر بوردیو دانشمندان نه به دنبال کشف خود حقیقت بلکه منافع اجتماعی حاصل از کشف حقیقت هستند. «در واقع‌گرایی بوردیو، برآورد منفعت در کنش علمی دانشمندان نقش اساسی دارد. دانشمندان برای اینکه از ایشان تقدیر شود، به شهرت برسند، به قدرت سیاسی و اقتدار علمی برسند و بخشی از فضای جلب توجه را پرکنند، کنش علمی انجام می‌دهند» (همان: ۶۷).

این مرور گذرا بر جامعه‌شناسی علم، تنوع، تکثر و تضاد رویکردها، نظریه‌ها و گفتمان‌های موجود در این حوزه از دانش بشری را آشکار می‌کند. جامعه‌شناسی علم یک گفتمان یک دست و واحدی را تشکیل نمی‌دهد بلکه «شمار کثیری از رویکردها، پارادایم‌ها، مواضع نظری و روش‌های تجربی در جامعه‌شناسی علم امروزی یا مطالعات علم و فناوری به چشم می‌خورند» (قاضی طباطبایی و ودادهیر، پیشین: ۱۳۷). بنابراین می‌توان گفت «پیکره موضوع جامعه‌شناسی علم در حال حاضر متأثر از شیوه برخورد کسانی است که در آن دست به مطالعه می‌زنند. به همین جهت است که برخی از موضوعات مورد توجه یک گروه قرار دارد و برخی دیگر مورد علاقه گروهی دیگر» (زکی، پیشین: ۳۰).

در جامعه‌شناسی علم، الزامات و ضروریاتی پیش‌نیاز تولید علم تلقی می‌شوند که با وجود این شرایط زیست جهانی مطلوب، می‌توان انتظار تولید علم از اجتماع علمی اندیشمندان را داشت. طبیعی است که عکس این قضیه نیز صادق است و

در صورت فقدان این شرایط، علم و نظریه‌ای نیز تولید نخواهد شد. مهم‌ترین این شرایط را می‌توان شرایط و الزامات مادی و فرهنگی عنوان کرد. «علم فقط در جوامعی که شرایط مادی و فرهنگی مناسبی دارند به میزان چشمگیری توسعه می‌یابد» (ودادهیر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲). حمایت‌های ساختاری از شرایط مطلوب زیست‌جهان نهاد علم محسوب می‌شوند. «توسعه علم همچون هر نهاد دیگر بوده و مستلزم حمایت ارزش‌های گروه یا اجتماع علمی است» (ودادهیر و همکاران، پیشین: ۲). در حالی که ساختارهای موجود در مسیر خلاف این حمایت حرکت کنند، در حقیقت ضدهنجارها فعال‌تر از هنجارها عمل نموده و به مانعی در برابر تولید و توزیع علم تبدیل می‌شوند.

از جمله ویژگی‌های مهمی که در جامعه‌شناسی علم از شرایط مطلوب زیست‌جهان نهاد علم تلقی می‌شود، تخلق آحاد اجتماع علمی به اخلاقیات علمی است و گرنه تولید علم صورت نمی‌پذیرد. اگر علم را به منزله یک کالا و خدمات تلقی کنیم، این «کالاها و خدمات تولید نمی‌شوند مگر اینکه رفتار افراد حرفه‌ای منطبق بر معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای خاصی باشد» (ودادهیر و همکاران، پیشین: ۸). قابلیت‌های فردی و انگیزه کارگزاران علم نیز در زمره شرایط مطلوب زیست‌جهان علم قلمداد می‌شوند. «برای ورود به یک زمینه علمی از سویی صلاحیت علمی و از سوی دیگر اعتقاد به بازی یا یک «لیبیدوی علمی» الزامی است» (بورديو به نقل از فرهمند، پیشین: ۶۱).

یکی دیگر از شرایط جامعه‌شناسی تولید علم موضوع ارتباطات، اعم از ارتباطات بین کارگزاران علم، نهاد علم و سایر ساختارهای اجتماعی است. مرتون پس از شکل‌گیری و استقرار مناسب نهاد علم درون ساختارهای اجتماعی «ضروری‌ترین شرط پویایی و کارآمدی نهاد علم در جامعه را تعامل نهاد علم و نهادهای اجتماعی با توجه به ویژگی‌هایی چون روابط کارکردی و ارتباط دوسویه معرفی می‌کند» (حسین‌زاده و همکاران، پیشین: ۲۷). در سطحی فراتر، این ارتباط بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در سطح بین‌المللی ضروری قلمداد می‌شود. «زیستن در عرصه صورت‌بندی‌های نوین اجتماعی، بدون ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. امروزه دستیابی به پیشرفت و توسعه نیز مستلزم برخورداری از سطحی موثر از همکاری‌ها در تعاملات برون‌مرزی است. لذا در دنیای آموزش عالی نیاز به ارتباطات و تبادلات بین‌المللی کاملاً احساس می‌شود» (محسنی، ۱۳۹۶: ۲۶۱).

از دیگر مسائلی که در حوزه اجتماعی دانش طرح می‌شود، مقوله سلطه و هژمونی است. گاهی این موضوع به طرد نفوذ و سلطه قدرت در حوزه دانش تاکید داشته و بر گفت‌وگوهای عاری از قدرت به سبک هابرماس اصرار می‌ورزد و گاه بر مشروعیت قدرت و یا حداقل حضور ناگزیر و تاثیر قدرت بر مناسبات علم اقرار می‌نمایند. پیروان موج سوم علم، از جمله طرفداران نظریه کنشگر- شبکه، مباحثه را از نوع کنش ارتباطی هابرماسی نمی‌دانند که وضعیت آرمانی گفتار یا شرایط ایده‌آل سخن بر مبنای دعوی طرفین برای حقیقت سره را از ناسره تشخیص می‌دهد. «پیروان نظریه کنشگر- شبکه برداشتی غیرذات‌گرایانه از هژمونی دارند که مبتنی بر عدم تقارن است... قدرت تصاحب و تصرف نیست، بلکه ترغیب است. قدرت معلول کشمکش‌های نظام‌بخش است. این کشمکش‌ها شیوه ارتباط و نیز توزیع قدرت را مشخص می‌کنند» (قاضی طباطبایی و ودادهیر، پیشین: ۱۳۳).

در جامعه‌شناسی علم نقش برجسته نهادها، به ویژه نهاد دانشگاه در تولید علم قابل توجه است. «دانشگاه با گسترش دانش بین فرهنگی ارزش‌های فرهنگی، مهارت‌های پژوهشی، تفکر علمی، کار گروهی و توسعه فرایند یاددهی-یادگیری با سایر دانشگاه‌ها می‌تواند نقش خود را در هزاره جدید بهتر ایفا کند» (حسینی، پیشین: ۲۶۲).

رنزیک با تلقی علم به مثابه حرفه و اخلاق خاص حرفه‌ای به دوازده معیار اشاره می‌کند که آرمان‌های هنجاری تسهیل کننده تولید علم تلقی می‌شوند: یک) درستکاری: دانشمندان نباید داده‌ها و نتایج علمی را جعل، تحریف و یا سوء تفسیر نمایند.

دو) دقت: دانشمندان باید از ارتکاب خطا در پژوهش اجتناب کنند، به ویژه

در ارائه نتایج.

سه) بلندنظری: دانشمندان باید از داده‌ها، نتایج، روش‌ها، اندیشه‌ها و ابزارهای خود مشترکا استفاده کنند.

چهار) آزادی: دانشمندان باید برای انجام پژوهش نسبت به هر مسئله یا فرضیه‌ای آزاد باشند.

پنج) اعتبار/مدرک: مدارک یا اعتبارات تحصیلی بایستی در جایی که صلاحیتش را داشته باشند اعطا شود نه هر جا و مکانی که صلاحیت ندارد. شش) تعلیم: دانشمندان بایستی به تربیت دانشمندان آتی مبادرت ورزیده و از چگونگی یادگیری و انجام علم مفید و اثربخش از جانب آنها اطمینان حاصل کنند.

هفت) مسئولیت‌پذیری اجتماعی: دانشمندان باید از خسارت زدن به جامعه اجتناب ورزند و در راستای ایجاد منافع اجتماعی تلاش نمایند.

هشت) قانون‌مداری: در فرایند پژوهش، دانشمندان باید قوانین و مقررات مربوط به کارشان را رعایت کنند.

نه) فرصت: از دانشمندان نباید به طور غیرمنصفانه‌ای، فرصت استفاده از منابع علمی یا پیشرفت در حرفه علمی را سلب کرد.

ده) احترام متقابل: دانشمندان بایستی با همکاران خود با احترام متقابل رفتار نمایند. همکاری و اعتماد، سنگ بنای اجتماع علمی است که در صورتی که دانشمندان به یکدیگر احترام نگذارند، در هم می‌شکند.

یازده) کارآیی: دانشمندان باید از منابع موجود به طور مؤثر استفاده نمایند، زیرا دانشمندان منابع اقتصادی، انسانی و فنی محدودی در اختیار دارند.

دوازده) احترام و رعایت حقوق آزمودنی‌ها (موضوعات): دانشمندان نباید به هنگام استفاده از موضوعات انسانی در آزمایش‌های علمی، از حقوق و شأن انسانی تخطی کنند. آنها باید با موضوعات غیرانسانی با احترام رفتار کرده و به هنگام استفاده از آنها در آزمایش‌های علمی، مراقب باشند (ودادهیر و همکاران، پیشین: ۸).

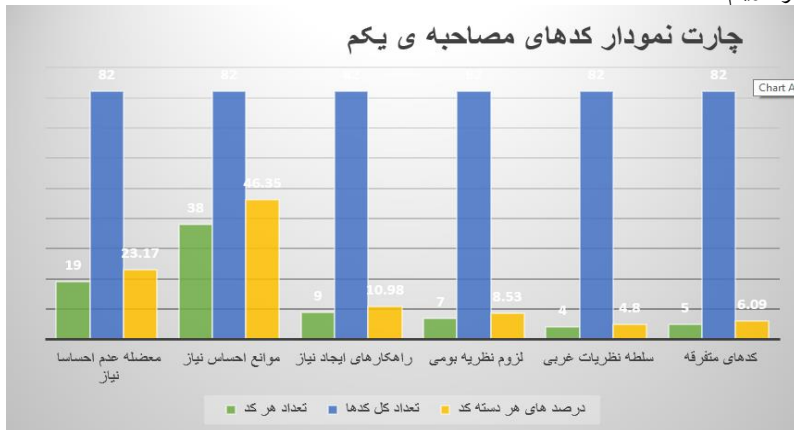
علاوه بر معیارهای اخلاقی مدنظر رزنیکی، ودادهیر و همکاران براساس آراء دو اندیشمند جامعه‌شناسی علم یعنی مرتون و میتروف، جدولی از هنجارها و ضدهنجارها را شناسایی و معرفی کرده‌اند که رعایت این هنجارها برای تولید علم مفید هستند و در شرایط بی‌هنجاری و بی‌اخلاقی، نهاد یا حرفه علم و دانشگاه‌ها قادر به تحقق اهداف خود نیستند. تولید و توسعه علم «در جوامع انسانی به‌ویژه در جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران که علم و فناوری قویا به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهادینه نشده است، در گرو توسعه و تقویت روزافزون اخلاق در حوزه‌های مختلف علم-فناوری است» (همان: ۱۰).

با مروری گذرا به ماهیت جامعه‌شناسی علم و گونه‌شناسی آن، برحسب نیاز پژوهش خود می‌توانیم مهمترین شاخص‌ها یا همان الزامات جامعه‌شناختی تولید علم را از میان انبوهی از مباحث و مسایل موجود برگزینیم. طبیعی است این نوشتار مدعی خلاصه‌سازی مباحث و ملاک‌ها در مقولات زیر نیست. لیکن برحسب نیاز بحث به انتخاب مهمترین ملاک‌ها دست زده‌ایم: (۱) صلاحیت و قابلیت‌های فردی نخبگان و پژوهش‌گران را می‌توان اولین عنصر ضروری قلمداد کرد. (۲) حمایت‌های ساختاری از تولید علم و کارگزاران عرصه علم دومین نیاز است. (۳) زمینه‌های فرهنگی و حمایت فرهنگ اجتماعی نیز الزام غیرقابل اغماض در تولید علم تلقی می‌شود. (۴) کارکردهای نهادهایی چون نهاد آموزش و نهاد دانشگاه، دیگر شاخص الزامی در میان مولفه‌های اجتماعی علم قلمداد می‌شود. (۵) از جمله الزامات جامعه‌شناختی حیاتی برای تولید علم و دانش، مقوله ارتباطات در سطح نخبگان، نهادها و بین‌المللی است. (۶) مسئله انباشت علم در طی زمان طولانی، دیگر پیش‌نیاز اجتماعی علم است. (۷) مقوله قدرت، سلطه و هژمونی نیز از موضوعات موثر در مباحث جامعه‌شناسی علم معرفی شده‌اند. (۸) حمایت‌های مادی و معنوی از جانب اجتماع نیز از مباحث مهم جامعه‌شناسی علم عنوان شده است. (۹) انگیزه‌های عاملان عرصه علم نقشی کلیدی در تحریک آنان به سمت تولید علم و دانش تلقی می‌شود. این شاخص‌ها با یافته‌های پژوهش ما یعنی کدهای دهگانه به دست آمده در این پژوهش انطباق دارد که عبارتند از:

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
واکنش نخبگان	معضل ارتباطات	موانع ساختاری	موانع نهادی	موانع فرهنگی	عناصر زمان	سلطه نظریات غربی	ضعفهای فردی نخبگان	مشکلات مادی نخبگان	امکان و لزوم نظریه بومی

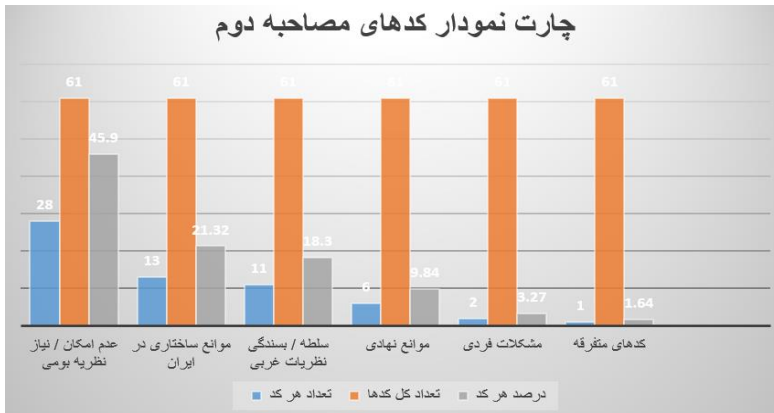
معرفی کمی یافته‌های تحقیق

در این بخش به معرفی کمی یافته‌های هر مصاحبه و ارتباط آن با نتیجه تحقیق می‌پردازیم.

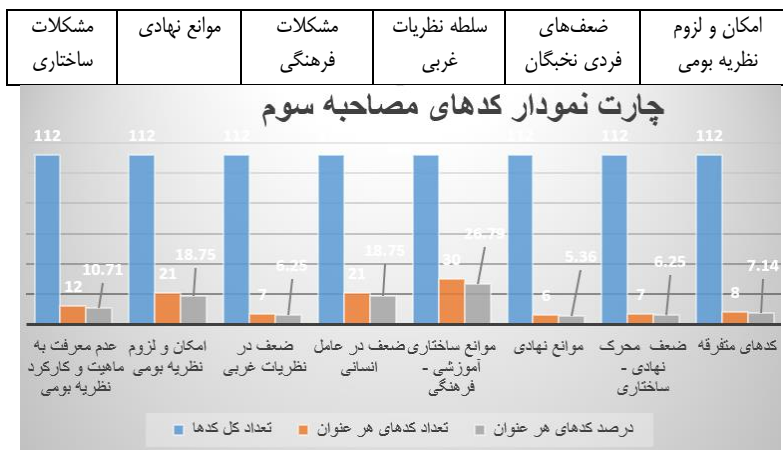


در مصاحبه اول ۱۹ کد معادل ۲۳/۱۷ درصد به عدم احساس نیاز در نخبگان و ۳۸ کد معادل ۴۶/۳۵ درصد کل کدها به دلایل این امر مربوط می‌شوند. به عبارتی دیگر در این مصاحبه ۵۷ کد معادل ۶۹/۵۲ درصد کدها به این موضوع اختصاص دارد. نه کد معادل ۱۰/۹۸ درصد به تبیین راهکارهای ایجاد نیاز مربوط است. لزوم تولید نظریه بومی روابط بین الملل با هفت کد یعنی ۸/۵۳ درصد مضمون دیگری بود که ایجاد شد. سلطه نظریات غربی با چهار کد معادل ۴/۸ درصد و پنج کد غیرمرتبط با بحث و در اصل حواشی مصاحبه بودند. الگوی ارتباطی این مصاحبه در جدول زیر مشاهده می‌شود.

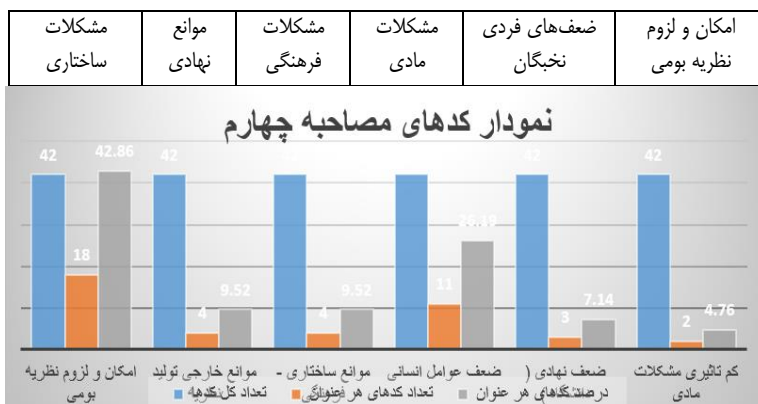
امکان و لزوم نظریه بومی	مشکلات مادی نخبگان	ضعفهای فردی نخبگان	سلطه نظریات غربی	مشکلات فرهنگی	موانع نهادی	مشکلات ساختاری	واکنش نخبگان
----------------------------	-----------------------	-----------------------	---------------------	------------------	----------------	-------------------	-----------------



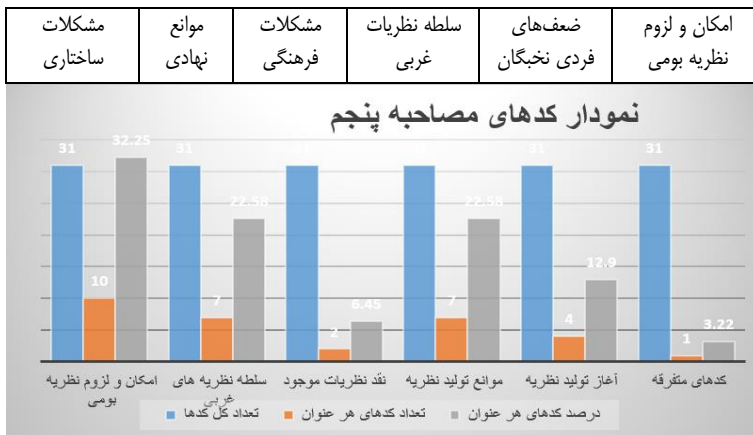
از مجموع ۶۱ کد تولید شده در این مصاحبه تعداد ۲۸ کد یعنی قریب به ۴۶٪ کل کدها به طرح این دغدغه می‌پردازد که مقدمه نظریه‌پردازی بومی باید مبتنی بر نیازهای عینی علمی این رشته قرار داشته باشد، نه بر مبانی احساساتی و یا فرانظری. این مصاحبه شونده بیشترین موانع را در ساختارهای علمی، فرهنگی و سیاسی جامعه می‌داند که شامل، ۱۳ کد و معادل حدود ۲۲٪ کل کدها است. سلطه نظریه‌های غربی ۱۱ کد معادل ۱۸/۳ درصد، موانع نهادی شش کد معادل ۹/۸۴ درصد و مشکلات فردی دو کد معادل ۳/۲۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند و تنها یک کد متفرقه با ۱/۶۴ درصد حضور دارد. الگوی ارتباطی بین مصاحبه با کدهای استخراجی از این قرارند:



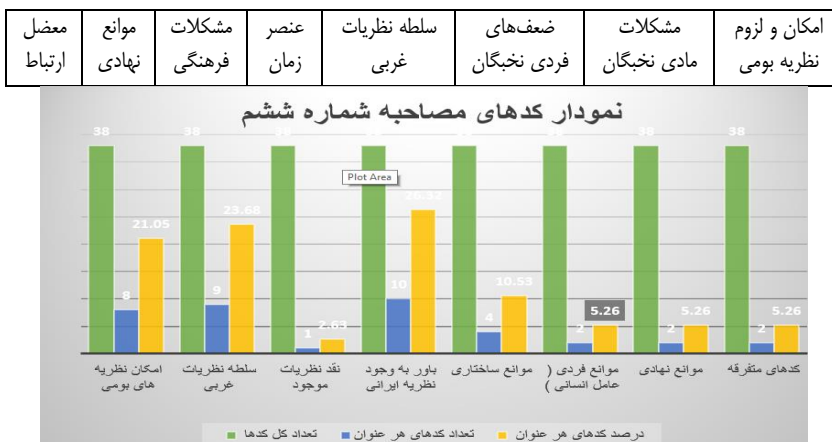
در این مصاحبه امکان و لزوم نظریه بومی اشاره ۲۱ کد را تولید کرده است که نزدیک به ۱۸/۷۵٪ کدها را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این هفت کد دیگر (معادل ۶/۲۵ درصد) نیز به صورت ضمنی و غیرمستقیم بر روی ضرورت نظریه بومی تاکید می کند. در این مصاحبه موانع ساختاری ۳۰ کد معادل ۲۶/۷۹ درصد کدها را شامل می شود. ضعف عوامل انسانی یا نخبگان با ۲۱ کد معادل ۱۸/۷۵ درصد، مجموعه دیگری از موانع تولید را بازنمایی می کند. فقدان محرکها و انگیزانندهها با هفت کد معادل ۶/۲۵ درصد، موانع نهادی با شش کد یعنی ۵/۳۶ درصد و عدم معرفت به لزوم نظریه با ۱۲ کد معادل ۱۰/۷۱ درصد در زمره موانع معرفی شده اند. الگوی ارتباطی بین این مصاحبه با کدهای نهایی در جدول زیر نمایان است:



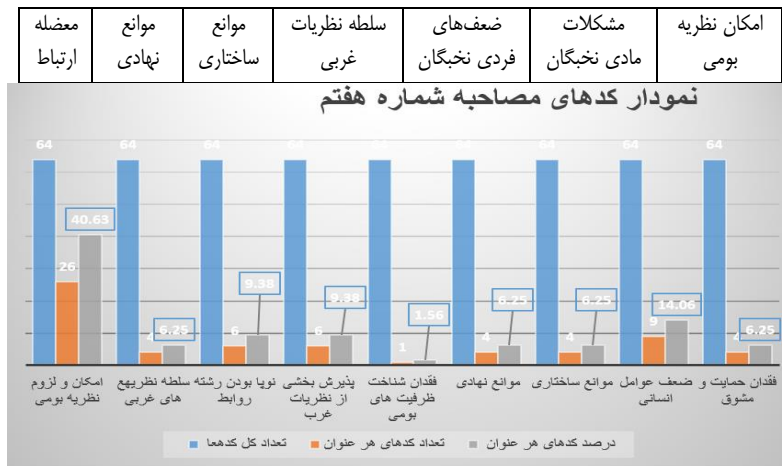
در کدهای مصاحبه چهارم، بیشترین فراوانی مربوط به امکان و لزوم نظریه بومی است که ۱۸ کد یعنی ۴۲/۸۶ درصد کدها را شامل می شود. در میان موانع، ضعف عامل انسانی با ۱۱ کد معادل ۲۶/۱۹ درصد بیشترین کدها را در برمی گیرد. موانع ساختاری - فرهنگی و نیز موانع خارجی هر کدام با چهار کد و ۹/۵۲ درصد و موانع نهادی با سه کد معادل ۷/۱۴ درصد بقیه مضامین مرتبط با موانع تولید را شامل می شوند. همان گونه که مشخص است، این مصاحبه شونده مسائل مادی را چندان در تولید نشدن نظری بومی دخیل نمی داند و با دو کد (۴/۷۶ درصد) تاثیر آن را رد می کند. جدول الگوی ارتباطی بین کدهای این مصاحبه با کدهای نهایی در ادامه می آید:



در مصاحبه پنجم به لحاظ درصد و فراوانی کدها، امکان و لزوم نظریه بومی روابط با ده کد و ۳۲/۲۵ درصد در صدر مفاهیم تولید شده قرار دارد. مضمون نقد نظریات موجود (جریان اصلی) نیز با دو کد معادل ۶/۴۵ درصد به طور غیرمستقیم بر لزوم تولید نظریه بومی دلالت دارد. سلطه نظریات غربی با هفت کد یعنی ۲۲/۵۸ درصد در زمره موانع معرفی شده است. عنصر زمان که بر شروع با تاخیر نظریه پردازی دلالت دارد با ۴ کد معادل ۱۲/۹ درصد و ارتباط عرصه نظر و عمل و موانع فرهنگی تحت عنوان کلی موانع با هفت کد یعنی ۲۲/۵۸ درصد، سایر مضامین به دست آمده هستند. الگوی ارتباط این مصاحبه را می‌توان به این صورت نشان داد:



این مصاحبه با ۱۰ کد معادل ۲۶/۳۲ درصد بیشترین تاکید را بر وجود نظریه‌های ایرانی داشته است. در این مصاحبه موانع مطرح شده در اصل مانع از انسجام و مدون شدگی و رسمیت یافتن نظریه‌های موجود بوده‌اند. امکان نظریه بومی با هشت کد معادل ۲۱/۰۵ درصد، لزوم نظریه بومی با نقد نظریات موجود با یک کد معادل ۲/۶۳ درصد، موانع ساختاری ۴ کد یعنی ۱۰/۵۳ درصد، موانع فردی و نهادی هر کدام با دو کد معادل ۵/۲۶ درصد کدهای تولید شده هستند. الگوی ارتباطی این مصاحبه عبارت است از:

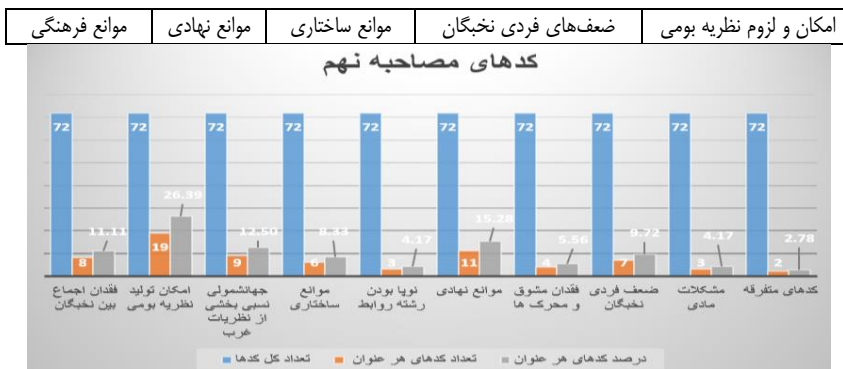


در این مصاحبه نیز بیش از ۲۶ کد معادل ۴۰/۶۳ درصد کدهای تولید شده بر امکان و لزوم نظریه بومی تاکید نموده است. ضعف کارگزاری انسانی با ۹ کد معادل ۱۴/۰۶ درصد، بیشترین مانع پیش‌رو معرفی شده و بعد از آن نوپا بودن رشته روابط بین‌الملل با شش کد معادل ۹/۳۸ درصد قرار دارد. در این نگرش با شش کد معادل ۹/۳۸ درصد بر قابلیت‌های تبیینی نظریه‌های موجود روابط نیز تاکید شده است. این بدان معنی است که باید از نگاه سفید و سیاه یا صفر و صدی به مسئله نظریه‌ها اجتناب کرد. موانع نهادی با ۴ کد معادل ۶/۲۵ درصد، موانع ساختاری با ۴ کد معادل ۶/۲۵ درصد و موانع معیشتی و انگیزشی نخبگان نیز با عنوان عدم حمایت با ۴ کد معادل ۶/۲۵ درصد، کدهای هم ارزی هستند که نقش مشابهی در

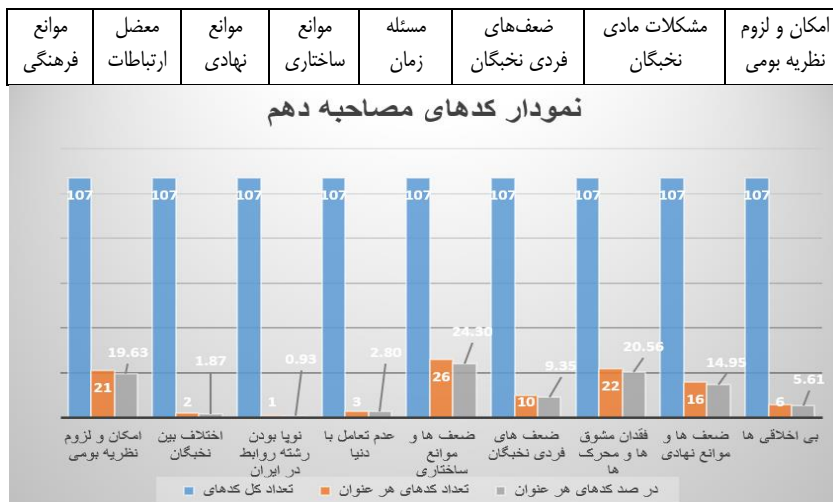
تولید نشدن نظریه بومی بازی کرده‌اند. الگوی ارتباط این مصاحبه با کدهای نهایی پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است:



این مصاحبه ضمن تایید امکان و ضرورت تولید نظریه بومی روابط با ۱۱ کد معادل ۲۰/۷۵ درصد کدها بیشترین معضل پیش روی تولید نظریه بومی را با ۱۹ کد فقدان عینی‌گرایی معادل ۳۵/۸۴ درصد و ذهنی‌گرایی با ۱۱ کد معادل ۲۰/۷۵ درصد که در حقیقت دو بیان از یک تم هستند و در قالب معضلات فرهنگی معرفی و ارائه شده‌اند، بیان می‌کند. ضعف رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های کشور با دو کد یعنی ۳/۷۷ درصد و ضعف عامل انسانی نیز با دو کد معادل ۳/۷۷ درصد از موانع تولید نظریه بومی معرفی می‌شوند. هشت کد در این مصاحبه معادل ۱۵/۰۹ درصد کدها به موضوعات متفرقه پرداخته‌اند. الگوی زیر ارتباط این مصاحبه را نشان می‌دهد:

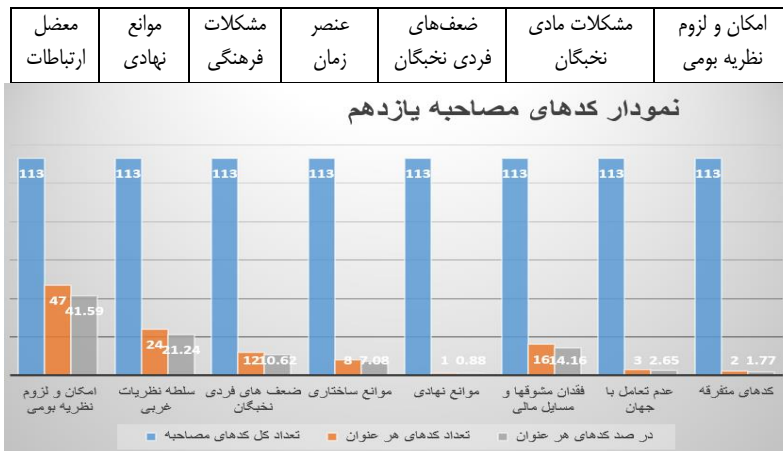


در این مصاحبه با ۱۹ کد معادل ۲۶/۳۹ درصد کل کدها بر امکان تولید نظریه بومی تاکید شده، گرچه با نه کد یعنی ۱۲/۵۰ درصد کدها بر قابلیت کاربردی نسبی نظریه‌های موجود نیز تاکید شده است. بیشترین مانع به لحاظ فراوانی موانع نهادی با ۱۱ کد معادل ۱۵/۲۸ درصد معرفی شده است. دومین عامل پرتکرار با هشت کد، با ۱۱/۱۱ درصد کل کدها به نبود اجماع بین نخبگان دلالت دارد. پس از آن ضعف فردی نخبگان با هفت کد و ۹/۷۲ درصد کدها قرار دارد. موانع ساختاری شش کد یعنی ۸/۳۳ درصد کدها را در برمی‌گیرد. فقدان مشوق با چهار کد معادل ۵/۵۶ درصد هم نشانگر مشکلات ساختاری و هم نهادی و فرهنگی است. نوپا بودن رشته روابط بین‌الملل در اصل با سه کد معادل ۴/۱۷ درصد با عنصر زمان مرتبط بوده و مشکلات مادی نیز سه کد یعنی ۴/۱۷ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. دو کد به عنوان کدهای متفرقه هستند. الگوی ارتباط این مصاحبه با یافته‌های پژوهش از قرار زیر است:



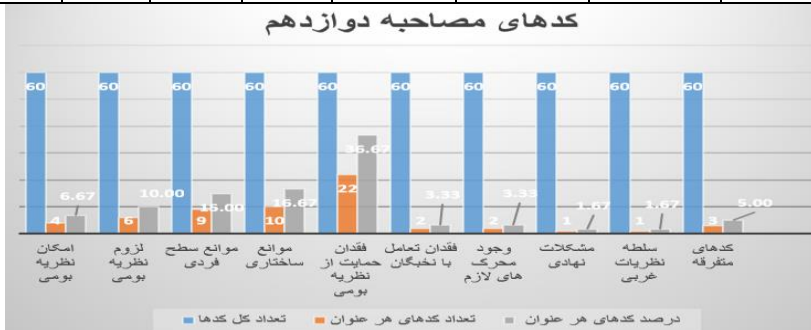
امکان و لزوم نظریه بومی با ۲۱ کد معادل ۱۹/۶۳ درصد مورد تایید مجدد قرار می‌گیرد. در معرفی موانع، بیشترین تاکید با ۲۶ کد معادل ۲۴/۳۰ درصد روی ضعف‌ها و موانع ساختاری قرار می‌گیرد. ۲۲ کد فقدان مشوق‌ها با ۲۰/۵۶ درصد، معضلی چندوجهی را نشان می‌دهد که هم در فرهنگ و هم نهادها و هم ساختارها

ریشه دارد. ضعف‌ها و مشکلات نهادی با ۱۶ کد، ۱۴/۹۵ درصد کل کدهای مصاحبه را در برمی‌گیرد. ضعف‌های فردی با ۱۰ کد معادل ۹/۳۵ درصد کدها و بی‌اخلاقی و بداخلاقی‌های موجود در فضای علمی با ۶ کد ۵/۶۱ درصد موانع بعدی معرفی شده هستند. عدم تعامل با نخبگان دنیا سه کد معادل ۲/۸۰ درصد، اختلاف بین نخبگان با دو کد معادل ۱/۸۷ درصد، و نوپا بودن رشته روابط با یک کد یعنی ۰/۹۳ درصد کمترین فراوانی کدها را شامل می‌شوند. الگوی ارتباطی این مصاحبه با کل تحقیق نیز به شرح جدول زیر است:



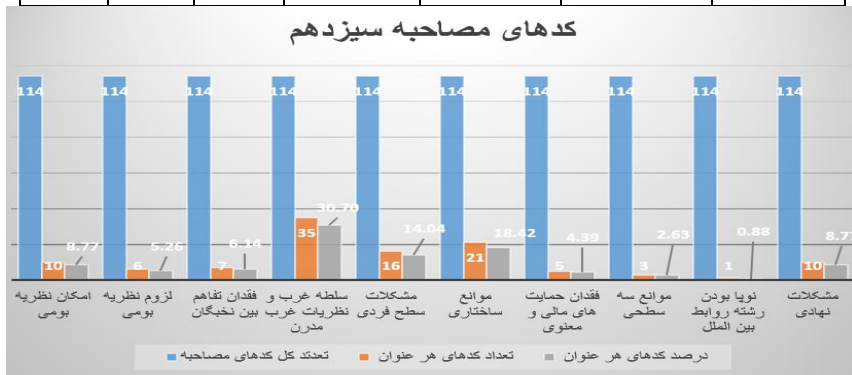
در این مصاحبه بیشترین کدها ۴۷ کد معادل ۴۱/۵۹ درصد، به تایید امکان و لزوم نظریه بومی پرداخته‌اند. در بین موانع موجود نیز ۲۴ کد معادل ۲۱/۲۴ درصد کدها مربوط به سلطه نظریات غربی است. فقدان مشوق و مشکلات مالی با ۱۶ کد معادل ۱۴/۱۶ درصد هم در حوزه ساختارها و هم حوزه نهادی پراکنده‌اند. ضعف‌های فردی نخبگان با ۱۲ کد یعنی ۱۰/۶۲ درصد مربوط به این مضمون نشان از اهمیت عامل انسانی در ساخت و پرداخت نظریه بومی است. موانع ساختاری با هشت کد برابر ۷/۰۸ درصد کدها در رتبه بعدی را دارد. عدم تعامل با جهان و نخبگان با سه کد معادل ۲/۶۵ درصد و موانع نهادی با یک کد معادل ۰/۸۸ درصد آخرین موانع معرفی شده در این مصاحبه بوده‌اند. الگوی ارتباط این مصاحبه با یافته‌های پژوهش در زیر مشخص شده است:

امکان و لزوم نظریه بومی	مشکلات مادی نخبگان	ضعف‌های فردی نخبگان	سلطه نظریات غربی	موانع ساختاری	مشکلات فرهنگی	موانع نهادی	معضل ارتباطات
-------------------------	--------------------	---------------------	------------------	---------------	---------------	-------------	---------------

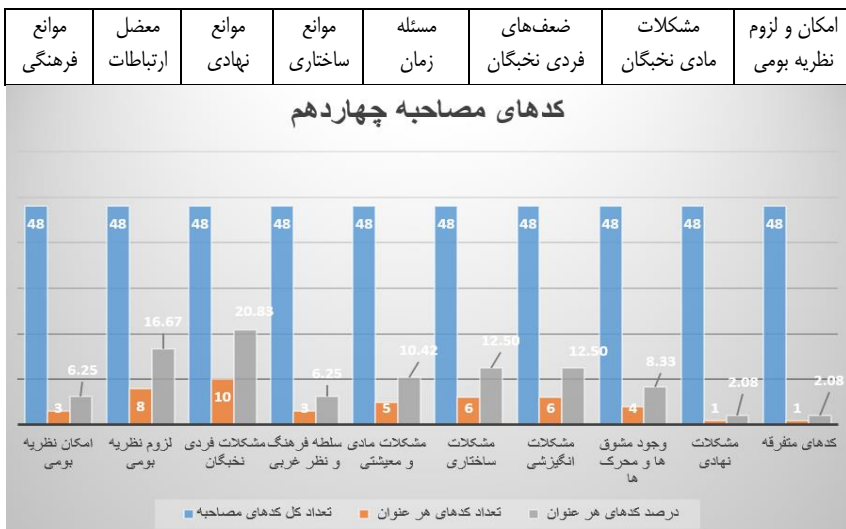


امکان و لزوم نظریه بومی روابط در مجموع با ۱۰ کد معادل ۱۶/۶۷ درصد کدها مورد تایید است. موانع پیش‌رو نیز به این شرح معرفی می‌شوند: فقدان حمایت از نظریه بومی با ۲۲ کد یعنی ۳۶/۶۷ درصد بالاترین فراوانی کدها را دارا است. موانع ساختاری با ده کد معادل ۱۶/۶۷ درصد کدها و موانع سطح فردی با نه کد یعنی ۱۵ درصد دو مانع نزدیک به هم در بین موانع معرفی شده در این مصاحبه هستند. گرچه این مصاحبه شونده بر وجود محرک‌هایی با دو کد معادل ۳/۳۳ درصد اشاره دارد، اما مشکلات حمایتی را غالب بر این انگیزاننده‌ها می‌داند. عدم تعامل با نخبگان دنیا نیز با دو کد معادل ۳/۳۳ درصد در زمره موانع معرفی شده‌اند. مشکلات نهادی و سلطه نظریه‌های غربی نیز هر کدام با یک کد و ۱/۶۷ درصد با کمترین تاکید معرفی شده‌اند. الگوی ارتباطی این مصاحبه نیز در زیر مشخص شده است:

امکان و لزوم نظریه بومی	مشکلات مادی نخبگان	ضعف‌های فردی نخبگان	سلطه نظریات غربی	موانع ساختاری	موانع نهادی	معضل ارتباطات
-------------------------	--------------------	---------------------	------------------	---------------	-------------	---------------

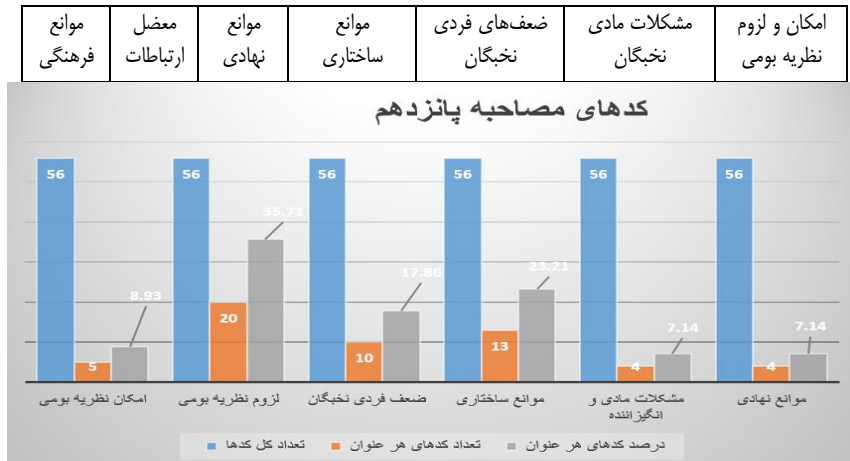


در این مصاحبه نیز امکان و لزوم نظریه بومی در مجموع با ۱۶ کد معادل ۱۴/۰۳ درصد از فضای حاکم بر بقیه مصاحبه‌ها مستثنی نیست. سلطه نظریه‌های غربی با ۳۵ کد یعنی ۳۰/۷۰ درصد کدهای کل این مصاحبه را به خود اختصاص داده است. موانع ساختاری دومین دسته از مفاهیمی است که با ۲۱ کد معادل ۱۸/۴۲ درصد در رده بعدی موانع معرفی شده است. ضعف‌های فردی نخبگان با ۱۶ کد معادل ۱۴/۰۴ درصد کدهای مصاحبه را شامل می‌شود. مشکلات نهادی ده کد معادل ۸/۷۷ درصد کل مصاحبه را شامل می‌شود. هفت کد معادل ۶/۱۴ درصد بیان‌گر نبود تفاهم بین نخبگان است. عدم حمایت از تولید نظریه بومی با پنج کد معادل ۴/۳۹ درصد، و سه کد با ۲/۶۳ درصد بر وجود موانعی در هر سه سطح فردی، نهادی و ساختاری صراحتاً تأکید می‌کنند. یک کد با ۰/۸۸ درصد مسئله نوپا بودن رشته روابط را عنصر موثری معرفی می‌نماید. الگوی ارتباطی این مصاحبه به شرح جدول زیر است:



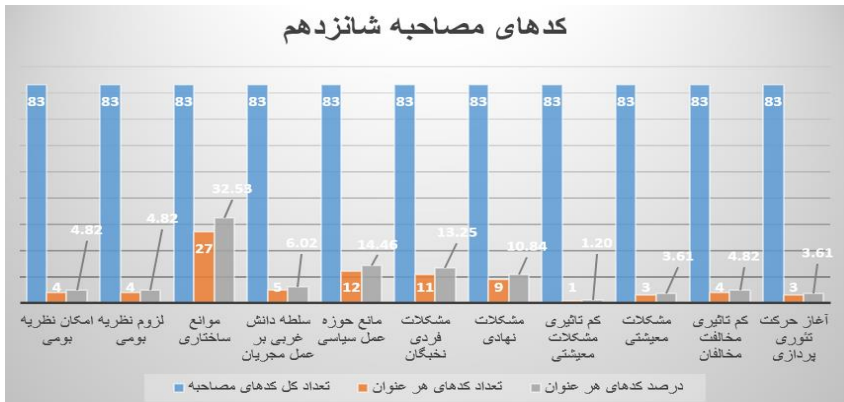
امکان و لزوم نظریه بومی در مجموع با ۱۱ کد یعنی ۲۲/۹۲ درصد بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. مشکلات فردی نخبگان با ۱۰ کد معادل ۲۰/۸۳ درصد کدها بیشترین مانع پیش‌رو معرفی شده است. مشکلات ساختاری و

مشکل ارتباطات و معضل انگیزش نخبگان هرکدام با شش کد یعنی ۱۲/۵ در صد در رتبه دوم قراردارند. مشکلات مادی و معیشتی نخبگان نیز با پنج کد یعنی ۱۰/۴۲ درصد معرفی می شود. سلطه نظریات و فرهنگ غربی با چهار کد معادل ۶/۲۵ درصد و مشکلات نهادی تنها با یک کد و ۲/۰۸ درصد در ردیف موانع معرفی شده اند. در این مصاحبه چهار کد یعنی ۸/۳۳ درصد از کدها بر وجود مشوق های لازم برای تولید تئوری تاکید کرده است و این نقش سایر موانع را پررنگ تر می کند. الگوی ارتباطی این مصاحبه با یافته های نهایی پژوهش در جدول زیر نمایان است:



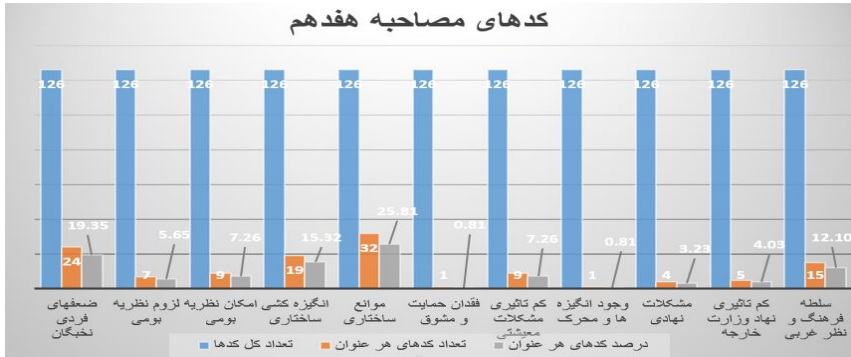
در این مصاحبه مجموعاً ۲۵ کد معادل ۴۴/۶۴ درصد کدها به امکان و لزوم نظریه بومی روابط اختصاص یافته اند. در بین موانع معرفی شده موانع ساختاری با ۱۳ کد یعنی ۲۳/۲۱ درصد، ضعف های فردی نخبگان با ۱۰ کد معادل ۱۷/۸۶ درصد، مشکلات مادی و معیشتی نخبگان و مشکلات نهادی هرکدام با چهار کد یعنی ۷/۱۴ درصد آخرین موانع معرفی شده در این مصاحبه هستند. الگوی ارتباطی کدهای تولید شده در این مصاحبه در جدول زیر نمایش داده شده است.

امکان و لزوم نظریه بومی	مشکلات مادی نخبگان	ضعف های فردی نخبگان	موانع ساختاری	موانع نهادی
-------------------------	--------------------	---------------------	---------------	-------------



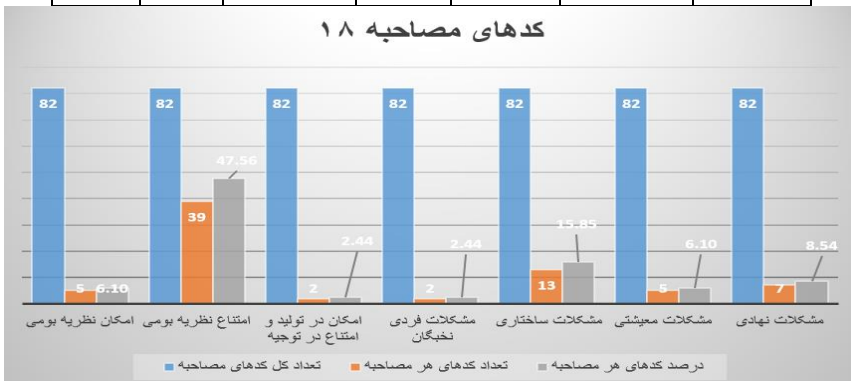
بعد از تایید امکان و لزوم نظریه بومی روابط بین الملل با هشت کد معادل ۹/۶۴ درصد، موانع تولید نظریه به این شرح معرفی می شوند. موانع ساختاری با ۲۷ کد معادل ۳۲/۵۳ درصد، موانع حوزه عمل سیاسی با ۱۲ کد برابر ۱۴/۴۶ درصد (که در زمره مسائل ساختاری مدنظر قرار گرفته)، ضعف های فردی نخبگان با ۱۱ کد معادل ۱۳/۲۵ درصد در رتبه بعدی موانع این مصاحبه محسوب می شود. موانع نهادی با نه کد یعنی ۱۰/۸۴ درصد، مشکلات معیشتی نخبگان با سه کد معادل ۳/۶۱ درصد به عنوان مانع معرفی شده است، اما بلافاصله با یک کد (برابر ۱/۲۰ درصد) کم تاثیری مسائل مادی و معیشتی را در برابر آن قرار می دهد. این مصاحبه عدم حرکت های ایجابی را در تولید نشدن نظریه بومی مهم تر از وجود موانع سلبی دانسته و کم تاثیری مخالفت عده ای از نخبگان با تولید نظریه بومی را با چهار کد معادل ۴/۸۲ درصد کدها مطرح می سازد. در نگرش این مصاحبه شونده جامعه علمی کشور وارد فاز تولید نظریه بومی روابط شده است که با مسئله زمان مرتبط بوده و با سه کد معادل ۳/۶۱ درصد عنوان شده است. الگوی ارتباطی این مصاحبه با کلیت پژوهش در جدول زیر روشن است:

موانع فرهنگی	مسئله زمان	معضل ارتباطات	موانع نهادی	موانع ساختاری	ضعف های فردی نخبگان	مشکلات مادی نخبگان	امکان و لزوم نظریه بومی
--------------	------------	---------------	-------------	---------------	---------------------	--------------------	-------------------------



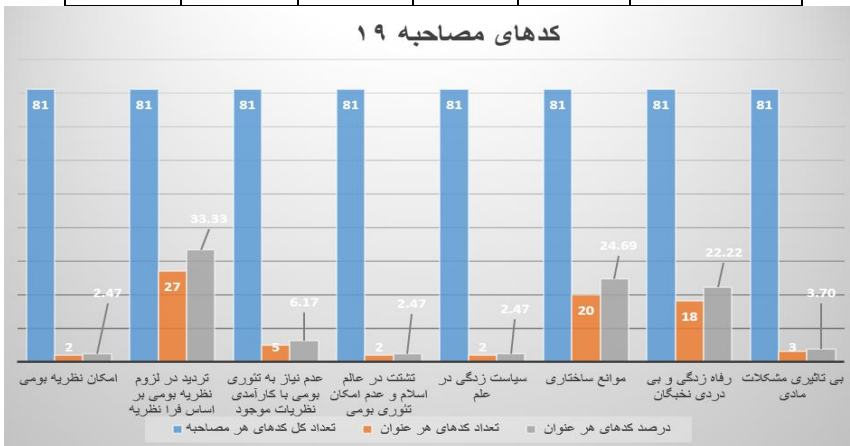
در این مصاحبه امکان و لزوم نظریه مجموعاً با ۱۶ کد معادل ۱۲/۹۱ درصد کدها مورد تایید قرار گرفته و بیشترین تاکید بر موانع ساختاری با ۳۲ کد برابر ۲۵/۸۱ درصد است. ۱۹ کد برابر ۱۵/۳۲ درصد به انگیزه‌کشی ساختاری اشاره می‌کند. این کدها به موانعی در ساختارها و نهادها اشاره دارند که انگیزه‌های نخبگان را از بین می‌برند. ضعف‌های فردی نخبگان نیز با ۲۴ کد معادل ۱۹/۳۵ درصد کل کدها از جمله مهمترین موانع شناخته شدند. سلطه نظریات و فرهنگ غربی با ۱۵ کد یعنی ۱۲/۱۰ درصد و موانع نهادی با چهار کد یعنی ۳/۲۳ درصد مورد تاکید قرار می‌گیرد ولی با پنج کد یعنی ۴/۰۳ درصد نهاد وزارت خارجه را تبرئه می‌کند. نه کد معادل ۷/۲۶ درصد مشکلات معیشتی را فاقد تاثیر می‌داند. وجود انگیزه‌های فردی نخبگان با یک کد معادل ۰/۸۱ درصد تایید شده اما فقدان مشوق‌های کافی برای برانگیختن نخبگان نیز همین مقدار تاکید می‌شود. الگوی ارتباطی این مصاحبه در جدول زیر آمده است:

موانع فرهنگی	مسئله زمان	سلطه نظریات غربی	موانع نهادی	موانع ساختاری	ضعفهای فردی نخبگان	امکان و لزوم نظریه بومی
--------------	------------	------------------	-------------	---------------	--------------------	-------------------------



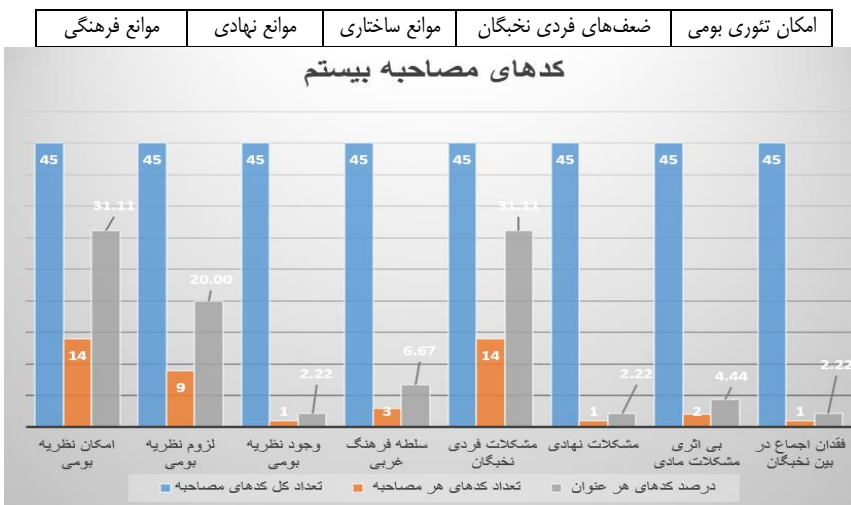
مصاحبه شونده اخیر از دو منظر شخصی و استاندارد جهانی به نظریه بومی نگرینسته و براساس نظر شخصی بر امکان نظریه بومی با پنج کد یعنی ۶/۱۰ درصد کدها تاکید داشته سپس این نظر را به عنوان مورد کمیاب رد نموده و بر امتناع تولید نظریه بومی با ۳۹ کد برابر ۴۷/۵۶ درصد تصریح می نماید. این نگاه در خصوص موانع تولید نظریه به طور عام، به معضلات ساختاری با ۱۳ کد معادل ۱۵/۸۵ درصد کدها اشاره می کند. مشکلات نهادی با هفت کد معادل ۸/۵۴ درصد، و مشکلات معیشتی با پنج کد یعنی ۶/۱۰ درصد مورد تاکید قرار گرفته اند. ضعف های فردی نخبگان با دو کد یعنی ۲/۴۴ درصد و دو کد دیگر نیز بر امکان در تولید و امتناع در توجیه و دفاع از نظریه بومی تاکید دارد. به جدول ارتباطی این مصاحبه توجه می کنیم:

واکنش نخبگان	مشکلات مادی	موانع فرهنگی	موانع نهادی	موانع ساختاری	ضعف های فردی نخبگان
--------------	-------------	--------------	-------------	---------------	---------------------



این مصاحبه بر امکان تولید نظریه بومی با دو کد یعنی ۲/۴۷ درصد تاکید نموده با ۲۷ کد معادل ۳۳/۳۳ درصد کدها لزوم نظریه بومی را تنها براساس نیازهای عینی و مسئله محوری می پذیرد نه براساس مبانی فرافرضی. در تبیین موانع تولید نظریه بومی، موانع ساختاری با ۲۰ کد برابر ۲۴/۶۹ درصد بالاترین فراوانی را داراست. ضعف های فردی نخبگان با مضمون رفاه زدگی و بی دردی با کدهایی به

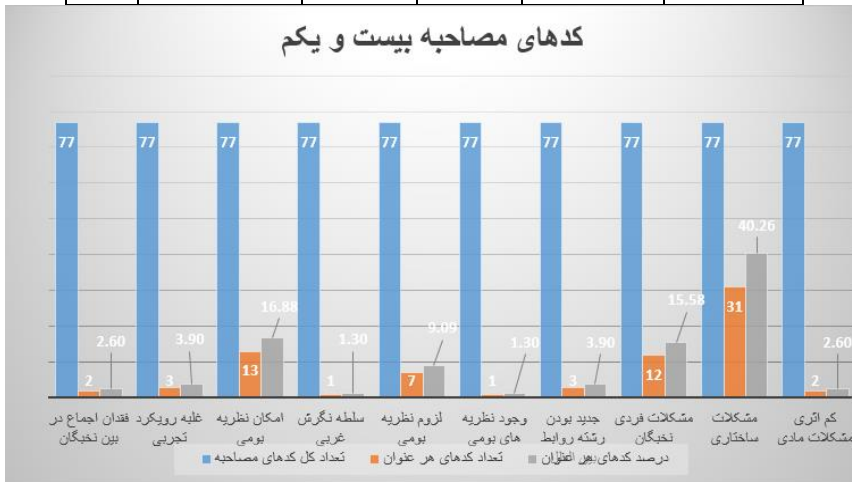
فراوانی ۱۸ عدد، ۲۲/۲۲ درصد کدها، در مرتبه بعدی موانع معرفی می شود. یکی دیگر از تردیدهای این مصاحبه در خصوص لزوم تولید نظریه بومی، قابلیت تبیینی نظریه های موجود با پنج کد برابر ۶/۱۷ درصد عنوان شده است. تشتت در مبانی فرانظری در دنیای اسلام نیز با دو کد معادل ۲/۴۷ درصد در زمره موانع تولید نظریه معرفی می شود. بی اثری مشکلات مادی با سه کد معادل ۳/۷۰ درصد کدها مورد تاکید قرار می گیرد. سیاست زدگی در علم نیز با دو کد برابر ۲/۴۷ درصد در بین موانع عنوان شده است. به الگوی ارتباطی این مصاحبه در جدول می پردازیم:



این مصاحبه مجموعاً با ۲۳ کد برابر ۵۱/۱۱ درصد کدها بر امکان و لزوم نظریه بومی اشاره دارد. ضعف های فردی نخبگان با ۱۴ کد یعنی ۳۱/۱۱ درصد کدها عمده ترین مانع تولید تئوری بومی معرفی می شود. سلطه نظریه ها و فرهنگ غربی با ۳ کد معادل ۶/۶۷ درصد مانع دوم معرفی شده و مشکلات معیشتی نیز با دو کد معادل ۴/۴۴ درصد فاقد موضوعیت عنوان شده است. این نگاه نیز بر وجود نظریه های بومی روابط در تاریخ کشور با یک کد و ۲/۲۲ درصد اشاره می کند. مشکلات نهادی با یک کد یعنی ۲/۲۲ درصد دارای تاثیر معرفی می شود. همچنین این مصاحبه شونده نبود اجماع بین نخبگان در خصوص چیستی و تعریف نظریه را با همین مقدار فراوانی و درصد عاملی در تولید نشدن نظریه دانسته است. به

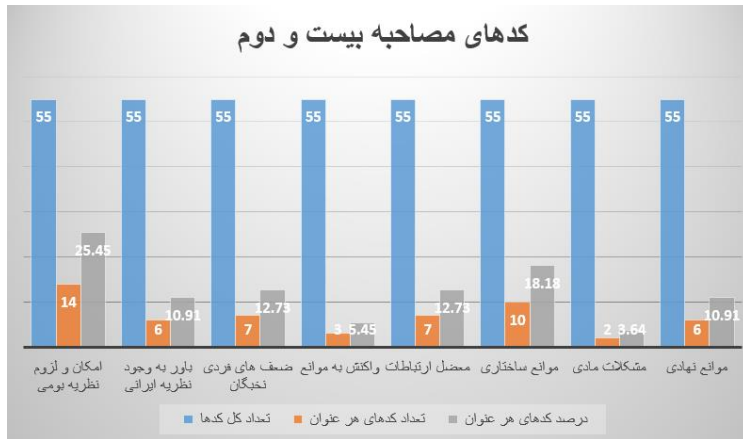
الگوی ارتباطی این مصاحبه نگاهی می افکنیم:

امکان و لزوم نظریه بومی	ضعف‌های فردی نخبگان	معضل ارتباطات	موانع ساختاری	سلطه نظریات غربی	موانع نهادی
-------------------------	---------------------	---------------	---------------	------------------	-------------



امکان و لزوم نظریه بومی با مجموع بیست کد و ۲۵/۹۷ درصد کل کدهای مصاحبه بیست و یکم مورد تایید هستند. مشکلات ساختاری با ۳۱ کد معادل ۴۰/۲۶ درصد، ضعف‌ها و مشکلات فردی نخبگان با ۱۲ کد یعنی ۱۵/۵۸ درصد، نوپا بودن رشته روابط با سه کد برابر با ۳/۹۰ درصد، رویکرد تجربی در ذهن نخبگان ایرانی نیز با همین تعداد کد موانع معرفی شده هستند. مسائل مادی و اقتصادی با دو کد و ۲/۶۰ درصد فاقد تاثیر معرفی شده و فقدان اجماع بین نخبگان با دو کد و ۲/۶۰ درصد جزو موانع است. در این نگاه وجود نظریه‌های بومی ولو به صورت غیرمدون با یک کد و ۱/۳۰ درصد انکار نمی‌شود و سلطه نظریه‌های غربی نیز تنها با یک کد یعنی ۱/۳۰ درصد مورد اشاره قرآمی گیرد. الگوی ارتباط این مصاحبه با یافته‌های نهایی پژوهش به قرار زیر است:

امکان و لزوم نظریه بومی	ضعف‌های فردی نخبگان	معضل ارتباطات	موانع ساختاری	سلطه نظریات غربی	مسئله زمان	موانع نهادی
-------------------------	---------------------	---------------	---------------	------------------	------------	-------------



در مصاحبه بیست و دوم با ۱۴ کد، یعنی ۲۵/۴۵ درصد کدهای مصاحبه، بر امکان و لزوم نظریه بومی تاکید شده است. موانع ساختاری با ۱۰ کد برابر ۱۸/۱۸ درصد کدها، ضعف های فردی نخبگان با ۷ کد معادل ۱۲/۷۳ درصد کدها معرفی شده است. معضل ارتباطات نیز با همان تعداد کد مورد تاکید است. موانع نهادی شش کد، یعنی ۱۰/۹۱ درصد کدها را به خود تخصیص داده است. مشکلات مادی نیز با دو کد و ۳/۶۴ درصد در ردیف موانع معرفی شده است. مجموع موانع معرفی شده واکنش هایی را برانگیخته است که با ۳ کد و ۵/۴۵ درصد در صف موانع تحلیل می شوند.

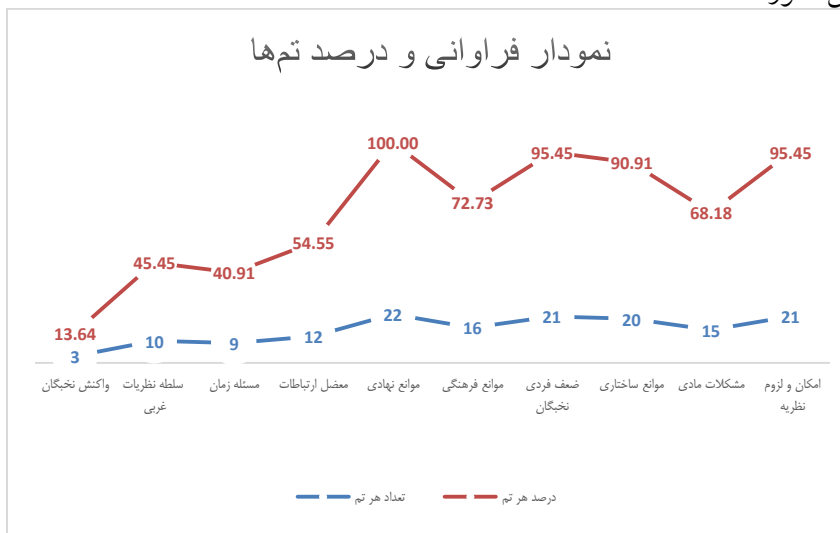
امکان و لزوم نظریه بومی	ضعف های فردی نخبگان	مشکلات مادی	موانع ساختاری	معضل ارتباطات	مسئله زمان	موانع نهادی	واکنش نخبگان
-------------------------	---------------------	-------------	---------------	---------------	------------	-------------	--------------

جهت بررسی پراکندگی و توزیع هر کدام از این تم های دهگانه در سراسر مصاحبه های این تحقیق، حضور هر تم در هریک از ۲۲ مصاحبه را با علامت + و عدم حضور آن را با علامت - نشان داده و شمردیم. جدول زیر این تکرار و حضور را نشان می دهد.

جدول ۱. تعداد حضور هریک از تم‌ها در هر مصاحبه

شماره مصاحبه‌ها	امکان و لزوم نظریه	مشکلات مادی	موانع ساختاری	ضعف فردی نخبگان	موانع فرهنگی	موانع نهادی	معضل ارتباطات	مسئله زمان	سلطه نظریات غربی	واکنش نخبگان
۱. تم	+	+	+	+	+	+	-	-	+	+
۲. تم	+	-	+	+	+	+	-	-	+	-
۳. تم	+	+	+	+	+	+	-	-	+	-
۴. تم	+	-	+	+	+	+	-	-	+	-
۵. تم	+	+	-	+	+	+	+	+	-	-
۶. تم	+	+	+	-	+	+	+	+	+	+
۷. تم	+	+	+	+	+	+	-	-	+	-
۸. تم	+	-	+	+	+	+	-	-	+	-
۹. تم	+	+	+	+	+	+	+	+	-	-
۱۰. تم	+	+	-	+	+	+	+	+	-	-
۱۱. تم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-
۱۲. تم	+	+	+	+	-	+	+	+	+	-
۱۳. تم	+	+	+	+	+	+	+	+	-	-
۱۴. تم	+	+	+	+	+	+	+	-	-	-
۱۵. تم	+	+	+	+	-	+	-	-	-	-
۱۶. تم	+	+	+	-	+	+	+	+	-	-
۱۷. تم	+	-	+	+	+	+	+	+	+	-
۱۸. تم	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-
۱۹. تم	+	-	+	+	+	+	+	-	-	-
۲۰. تم	+	+	+	+	-	+	+	+	+	-
۲۱. تم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-
۲۲. تم	+	+	+	+	-	+	+	+	+	-
مجموع حضور تم‌ها	۲۱	۱۵	۲۰	۲۱	۱۶	۲۲	۱۲	۹	۱۰	۳

نمودار این فراوانی و درصد هرکدام از تم‌ها در سراسر مصاحبه‌های انجام گرفته به این صورت است:



بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی کمی کدهای حاصل از تحقیق کیفی و استخراج فراوانی و درصد

هرکدام از تم‌ها مشاهده می‌شود که در نظر نخبگان مصاحبه‌شونده امکان تولید نظریه بومی روابط بین‌الملل در کشور وجود دارد. ۲۱ مورد یعنی ۹۵/۴۵ درصد مصاحبه‌شوندگان بر این امر اذعان کرده‌اند. لذا موانع تولید نظریه بومی روابط بین‌الملل در نگاه این نخبگان را مرور می‌کنیم. موانع نهادی که به معنی کم‌کاری یا کژکارکردی نهادهای مسئول و دخیل در امر تولید علم است، در همه ۲۲ مصاحبه به چشم می‌خورد و تاثیر مشکلات نهادی را در این امر ۱۰۰ درصد تایید می‌کند. ضعف‌های فردی نخبگان به معنی فقدان قابلیت‌ها و انگیزه‌های فردی با ۲۱ مورد فراوانی و ۹۵/۴۵ درصد دومین مانع عنوان شده است. موانع ساختاری که شامل ساختارهای سیاسی، آموزشی و غیره است، با ۲۰ مورد معادل ۹۰/۹۱ درصد کل مورد‌های مصاحبه سومین مانع معرفی شده است. در رتبه بعدی موانع مشکلات فرهنگی به مفهوم فقدان زمینه‌های فرهنگی لازم جهت حرکت در مسیر نوآوری و تولید علم قرارداد که در ۱۶ مورد از مصاحبه‌ها به آن اشاره شده و ۷۲/۷۳ درصد موارد بررسی را در بر گرفته است. معضل ارتباطات با فراوانی ۱۲ موردی و ۵۴/۵۵ درصد مصاحبه‌ها مانع بعدی است. این تم به معنی فقدان روابط درون اجتماع علمی بین نخبگان و نیز ارتباطات بین‌المللی است. سلطه نظریه‌های غربی در ۱۰ مورد تکرار شده و ۴۵/۵۴ درصد مصاحبه‌شوندگان به آن تصریح نموده‌اند. مسئله زمان به این معنی است که هم رشته روابط با تاخیر وارد کشور شده و هم تولید علم نیازمند گذر زمان است. این تم با ۹ بار تکرار ۴۰/۹۱ درصد موارد بررسی را شامل شده است. واکنش نخبگان آخرین مانعی است که با کمترین تکرار معرفی شده و به معنی عکس‌العمل نخبگان به سایر موانع از جمله معضلات معیشتی، سیاسی و نهادی است. این تم با ۳ بار تکرار در ۱۳/۶۴ درصد مصاحبه‌ها تاکید شده است.

همان‌گونه که پیشتر اشاره کردیم بررسی الزامات جامعه‌شناختی تولید علم به مواردی اشاره دارد که در نظر نخبگان شرکت‌کننده در این پژوهش، در ساختار اجتماعی علم ایران خصوصا در رشته روابط بین‌الملل، این مولفه‌ها مفقود یا بسیار ضعیف هستند. این بار نگاهی تطبیقی به الزامات جامعه‌شناختی و فقدان آن‌ها

خواهیم داشت تا دریابیم آنچه عامل تولید نشدن نظریه بومی روابط بین‌الملل در ایران است، فقدان الزامات مذکور می‌باشد: (۱) صلاحیت و قابلیت‌های فردی نخبگان و پژوهش‌گران را می‌توان اولین عنصر ضروری قلمداد کرد. در این تحقیق ضعف‌های فردی نخبگان این مولفه را مفقود معرفی می‌کند. (۲) حمایت‌های ساختاری از تولید علم و کارگزاران عرصه علم دومین نیاز است. در حالی که نخبگان باور دارند ساختارهای موجود حمایتی ننموده و گاه همچون مانعی در مقابل علم عمل می‌کنند. (۳) زمینه‌های فرهنگی و حمایت فرهنگ اجتماعی نیز الزام غیرقابل اغماض در تولید علم تلقی می‌شود. اما در این تحقیق فرهنگ جامعه فاقد مولفه‌های لازم عنوان شده است. (۴) کارکردهای نهادهایی چون نهاد آموزش و نهاد دانشگاه دیگر شاخص الزامی در میان مولفه‌های اجتماعی علم قلمداد می‌شود. این مولفه نیز در نظر نخبگان دچار کاستی‌ها و کژکارکردی‌هایی است. (۵) از جمله الزامات جامعه‌شناختی حیاتی برای تولید علم و دانش مقوله ارتباطات در سطح نخبگان، نهادها و سطح بین‌المللی است. اما در جامعه علمی ایران فقدان ارتباطات به صراحت از سوی نخبگان مورد بررسی ما تصریح شده است. (۶) مسئله انباشت علم در طی زمان طولانی، دیگر پیش‌نیاز اجتماعی علم است. اما نوپا بودن رشته و تاخیر در ورود رشته روابط به ایران از عوامل تولید نشدن نظریه بومی عنوان شده است. (۷) مقوله قدرت، سلطه و هژمونی نیز از موضوعات موثر در مباحث جامعه‌شناسی علم معرفی شده‌اند. در این پژوهش سلطه نظریات غربی در مفهوم مدنظر گرامشی از موانع تولید نظریه بومی معرفی شد. (۸) حمایت‌های مادی و معنوی خصوصا اقتصادی عرصه علم از جانب اجتماع نیز در مباحث مهم جامعه‌شناسی علم عنوان شده است. این در حالی است که در اکثر موارد این بررسی کارگزاران عرصه علم از مشکلات معیشتی گله داشته‌اند. (۹) انگیزه‌های عاملان عرصه علم نقشی کلیدی در تحرک آنان به سمت تولید علم و دانش تلقی می‌شود. در مجموع عوامل و موانع معرفی شده انگیزه عوامل انسانی برای تلاش در این مسیر را از بین برده و در این پژوهش بدان تصریح شده است. این مولفه در زیر مقوله واکنش نخبگان و نیز مشکلات معیشتی بیان شده است.

می توان نتیجه گرفت اگر وجود و حضور مولفه های معینی برای تولید علم، (که نظریه پردازی بومی از مصادیق برجسته آن است) ضروری و بایسته است، این تحقیق نشان می دهد که غالب این مولفه ها در اجتماع علمی ایران مفقودند. بنابراین می توان گفت «امتناع جامعه شناختی تولید نظریه بومی عامل اصلی تولید نشدن این نوع نظریه در کشور می باشد. این در حالی است که در نظر صاحب نظران امکان ذاتی و معرفت شناختی تولید نظریه بومی وجود دارد».

منابع

الف) فارسی

- ربانی خوراسگانی، علی. قاسمی، وحید. ربانی، رسول. ادیبی سده، مهدی. افقی، نادر. ۱۳۹۰. «تحلیل جامعه‌شناختی تولید علم؛ تاملی در رویکردهای نوین»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴، ۱۵۸-۱۱۷.
- حسین‌زاده، علی حسین. رضادوست، کریم. مومبینی، محمدعلی. مومبینی، ایرج. ۱۳۹۴. «گفتمان بومی‌سازی علم و ساختارهای اجتماعی: مدل استقرار مناسب نهاد علم جامعه‌شناسی درون ساختارهای اجتماعی جامعه ایران»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ششم، شماره دوم، ۲۳-۴۴.
- رشید حاجی خواجه لو، صالح. حسام‌پور، ابوذر. ۱۳۹۰. «به سوی پارادایمی جدید از علم؛ تاملی انتقادی در باب ماهگرد فراهینی الگوی دوم تولید علم»، راهبرد فرهنگی، شماره چهاردهم و پانزدهم، ۱۸۱-۱۶۵.
- محسنی، هدی سادات. ۱۳۹۶. «آسیب‌شناسی همکاری‌های علمی-بین‌المللی در آموزش عالی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۲۸۱-۲۵۹.
- جلیلی، مهناز. زاهدی، محمدجواد. ارشاد، فرهنگ. ربیعی، علی. ۱۳۹۵. هیچ «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین اجتماع علمی و سرمایه ایرانی (مطالعه اجتماع علمی در رشته جامعه‌شناسی)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفدهم، شماره ۳، ۴۸-۲۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۳. «فرانزیه اسلامی روابط»، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۹. اسلام و نظریه‌های روابط: رویکردی فرانظری، در حسین پوراحمدی، «اسلام و روابط (چهارچوب‌های نظری، مروری، تحلیلی)»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۹. «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، ۱۴۲-۱۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۹. «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط»، فصلنامه

- روابط خارجی، شماره ۶، ۹۳-۵۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۱. «الگوی نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط»، فصلنامه پژوهش‌های روابط، دوره نخست، شماره سوم، ۴۷-۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۳. فرانظریه اسلامی روابط، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۱. «درآمدی بر نظریه‌پردازی دینی روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، ۲۷۶-۲۳۵.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۲. «تئوری‌های روابط و خلاء نظریه اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره چهارم، ۱۰۴-۷۷.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۳. «تبیین غایی در نظریه روابط»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره سوم، ۱۹۱-۱۵۹.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۱. «امکان ارائه نظریه دینی روابط از منظر شیعه»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۱. امکان‌سنجی نظریه دینی روابط، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبد خدایی، مجتبی. ۱۳۹۳. «سطح انتظار از نظریه علمی روابط بین‌الملل»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۹، شماره ۷۸، ۶۳-۳۳.
- زکی، محمدعلی. ۱۳۷۷. «مقدمه‌ای بر تحلیل جامعه‌شناسی علم از دیدگاه ابن‌خلدون»، مجله راهبرد، شماره ۱۵ و ۱۶، ۵۸-۲۹.
- صالحی، سیدجواد و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. ۱۳۹۰. «معنا، معناگرایی و نظریه روابط؛ چشم‌انداز تحقق رویکرد بومی ایرانی-اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۵، ۲۳۸-۲۰۹.
- فرهمنده، مهناز. ۱۳۹۲. «بررسی تطبیقی جامعه‌شناسی علم بوردیو و رویکرد کنشگر-شبکه»، فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، ۷۱-۵۷.
- فلیک، اووه. ۱۳۸۸. درآمدی بر روش تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کراسول، جان. ۱۳۹۴. پویای کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت‌پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار.
- قاضی طباطبایی، محمود. و دادهیر، ابوعلی. ۱۳۸۶. «جامعه‌شناسی علم و فناوری: تأملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ۱۴۲-۱۲۵.
- ربانی، علی. ماهر، زهرا. ۱۳۹۲. «دانش به عنوان یک محصول فرهنگی: از جامعه‌شناسی معرفت دینی (SSK) تا مطالعات فرهنگی علم (CSS)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره چهار، ۲۹-۱.
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی، ضدروش ۱، منطلق و طرح در روش‌شناسی

کیفی، جلد ۱، تهران: نشر جامعه شناسان.
مشیرزاده، حمیرا و کافی، مجید. ۱۳۹۴. «زمینه‌های ساختاری نظریه‌پردازی ایرانی در روابط»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، شماره دوم، ۶۸-۸۶.
ودادهیر، ابوعلی. فرسوده، داریوش. قاضی طباطبایی، محمود. توسلی، غلامعباس. ۱۳۸۷. «معیارهای رفتار اخلاقی در انجام کار علمی (تأملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم-فناوری مرتون و رزنیک»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۲-۳.

ب) اینترنتی

رنجکش، محمدجواد. کشاورز، حمیدرضا. ۱۳۹۴. سیطره غرب و گسیختگی تولید دانش، در: [http:// Rasekhoon. Net/ article/ print/ 1087593](http://Rasekhoon.Net/article/print/1087593)